

## ممنوعیت کمک‌های دولتی مخل رقابت

### «مطالعه‌ی تطبیقی در نظام‌های حقوقی ایران و اتحادیه‌ی اروپا»

دکتر گودرز افتخار جهرمی \*

رضا معبودی نیشابوری \*\*

#### چکیده

ممنوعیت «کمک‌های دولتی» از مهم‌ترین قواعد در نظام‌های مختلف حقوق رقابت است. در واقع، هنگامی که دولت، کمک‌هایی تبعیض‌آمیز به برخی بنگاه‌های رقیب ارایه می‌کند، این امر ممکن است منجر به اخلال در رقابت در بازار شود، زیرا این اقدام سایر رقبا را در وضعیت نامساعد رقابتی قرار می‌دهد. در این مقاله، به مقایسه‌ی رویکرد نظام-های حقوقی ایران و اتحادیه‌ی اروپا، نسبت به قاعده‌ی (ممنوعیت کمک‌های دولتی مخل رقابت) خواهیم پرداخت. این مطالعه‌ی تطبیقی، نشان می‌دهد که موضع قانون‌گذار ایران در مورد این قاعده، نیازمند برخی اصلاحات اجتناب‌ناپذیر است.

#### کلید واژگان

کمک‌های دولتی، اخلال در رقابت، حقوق رقابت، حقوق ضدتراست، معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا.

---

\* استاد و رییس دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

\*\* دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی.

## مقدمه

رفتارهای ضدرقابته‌ی، محدود به رفتار بنگاه‌های اقتصادی نیست، بلکه ارتکاب رفتار ضدرقابته‌ی، توسط دولت نیز امکان دارد. در حقیقت، دولت نیز ممکن است رفتارهایی در پیش گیرد که آسیب‌هایی را به جریان رقابت در بازار وارد آورد. در این مقاله، در خصوص «کمک‌های دولتی»<sup>۱</sup> به بنگاه‌ها به‌عنوان یک رفتار ضدرقابته‌ی از جانب دولت، بحث خواهیم نمود.

قبل از بیان هر مطلبی، طرح مقدمه‌ای ضرورت دارد: معمولاً فعالیت‌های دولت، طیف بسیار وسیعی را شامل می‌شود. گاهی فعالیت‌های دولت، در چارچوب اعمال حاکمیت است و گاهی نیز دولت فعالیت‌هایی انجام می‌دهد که اعمال تصدی (تصدی‌گری) محسوب می‌گردد. گاهی دولت، به فعالیت‌هایی می‌پردازد که نوعاً وظیفه‌ی اصلی دولت شناخته می‌شوند (اعمال حاکمیت) و بنگاه‌ها، نمی‌توانند و/یا نمی‌خواهند وارد این فعالیت‌ها شوند؛ «مراقبت انتظامی»<sup>۲</sup> (حفظ نظم عمومی جامعه از طریق نیروی انتظامی) و نیز «اعطای گذرنامه»<sup>۳</sup> از جمله‌ی این فعالیت‌ها هستند. به‌عنوان یک قاعده، این‌گونه فعالیت‌های دولت، اساساً مورد موشکافی حقوق رقابت قرار نمی‌گیرد.<sup>۴</sup> در مقابل، این امکان نیز وجود دارد که دولت، مشغول فعالیت‌هایی شود که «نوعاً» از وظایف دولت شناخته نمی‌شوند (اعمال تصدی). این فعالیت‌ها، همان اموری هستند که معمولاً بنگاه‌های اقتصادی،

- 
1. State Aids.
  2. Police Supervision.
  3. Supply of Passports.
  4. Slot, Piet Jan & Johnston, Angus, **An Introduction to Competition Law**, Hart Publishing, Oxford and Portland Oregon, First English edition, 2006, p. 255.

امثال آن‌ها را انجام می‌دهند و لذا هنگامی که دولت به انجام این فعالیت‌ها می‌پردازد، در حقیقت، کارکرد یک بنگاه اقتصادی را ایفا می‌کند. ممکن است این گونه فعالیت‌های اقتصادی، توسط «نهادهای عمومی»<sup>۵</sup> انجام شود. قواعد معمول حقوق رقابت، همان‌گونه که در مورد بنگاه‌های اقتصادی خصوصی اعمال می‌شوند، اصولاً باید در مورد این گونه از فعالیت‌های دولت و نهادهای عمومی نیز اعمال گردند.<sup>۶</sup>

«قانون اصلاح موادی از قانون برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی» (از این پس: **ق. ا. س. ا. ۴۴**)، در ماده‌ی ۴۳، این نکته را مورد توجه قرار داده است. ماده‌ی مزبور ابراز می‌دارد: «تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های عمومی، دولتی، تعاونی و خصوصی، مشمول مواد این فصل [فصل نهم ق. ا. س. ا. ۴۴: «تسهیل رقابت و منع انحصار»] هستند». بر اساس این ماده، مقررات فصل نهم ق. ا. س. ا. ۴۴ که مربوط به تسهیل رقابت و منع انحصار است، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و عمومی نیز اجرا می‌شود. ماده‌ی ۸۶ معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا نیز مقرر می‌دارد:

«۱- در مورد بنگاه‌های عمومی و بنگاه‌هایی که دول عضو، به آن‌ها حقوق ویژه یا انحصاری اعطا نموده‌اند، دول عضو باید از تصویب یا ابقای مقررات مغایر با قواعد مذکور در این معاهده، به خصوص، مقررات مذکور در ماده‌ی ۱۲ و مواد ۸۱ تا ۸۹ [مقررات حقوق رقابت] اجتناب نمایند؛

۲- بنگاه‌هایی که ارایه‌ی خدمات عام‌المنفعه‌ی اقتصادی به آن‌ها واگذار شده یا دارای خصیصه‌ای هستند که به‌طور انحصاری ایجاد درآمد می‌کنند، مشمول قواعد مقرر در این

5. Public Undertakings or Public Organizations.

6. Slot, *op.cit.*, p. 255.

معاهده، به خصوص قواعد رقابت، هستند؛ البته تا آنجا که اجرای قواعد مزبور، از لحاظ قانونی یا از لحاظ عملی، مانع اجرای وظایف خاص محوله به ایشان نشود. توسعه‌ی تجارت، نباید به نحوی که مغایر با منافع جامعه‌ی اروپا باشد، تحت تاثیر قرار گیرد؛

۳- کمیسیون [کمیسیون اروپا] باید اجرای مقررات این ماده را تضمین نماید و در موارد لزوم، دستورالعمل‌ها و تصمیمات مقتضی را خطاب به دول عضو، مقرر کند.

از طرف دیگر، این امر، محتمل است که دولت بدون اعمال تصدی‌گری و در واقع، از طریق «تدابیر حمایتی»<sup>۷</sup>، نسبت به عملکرد عوامل رقابت در بازار، دخالت بی‌جا نماید.<sup>۸</sup> به‌عنوان مثال، ممکن است دولت، با اعطای کمک‌های دولتی به صورت تبعیض‌آمیز به برخی رقبای، وضعیت رقابت را در بازار، به شکل نامطلوبی درآورد. برخی نویسندگان معتقدند مهم‌ترین روشی که ممکن است دولت‌ها از آن طریق، مرتکب اخلال در رقابت شوند، اعطای این‌گونه کمک‌های دولتی است.<sup>۹</sup> آن‌چه در این مقاله، مورد بحث قرار خواهد گرفت، صرفاً همین نوع رفتار دولت است.

در حقوق ایران، ماده‌ی ۵۲ ق.ا.س.ا. ۴۴، به موضوع «کمک‌های دولتی» اختصاص یافته و مقرر می‌کند: «هرگونه کمک و اعطای امتیاز دولتی (ریالی، ارزی، اعتباری، معافیت، تخفیف، ترجیح، اطلاعات یا مشابه آن) به صورت تبعیض‌آمیز به یک یا چند بنگاه یا شرکت که موجب تسلط در بازار یا اخلال در رقابت شود، ممنوع است». معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا نیز موضوع «کمک‌های دولتی» را مورد توجه جدی قرار داده و مواد ۸۷

7. Support Measures.

8. Slot, *op.cit.*, p. 256.

9. Korah, Valentine, **An Introductory Guide to EC Competition Law and Practice**, Hart Publishing, Oxford and Portland Oregon, Eighth edition, 2004, p. 199.

۸۸ و ۸۹ خود را به این موضوع اختصاص داده است. بند ۱ از ماده‌ی ۸۷ معاهده بیان می‌دارد:

«در غیر مواردی که در این معاهده خلاف این ماده مقرر شده است، هرگونه کمک اعطایی توسط دول عضو یا از محل منابع دولتی که به بنگاه‌های خاص یا به تولید کالاهای خاصی اختصاص یابد، به هر شکلی که باشد و به هر طریقی که رقابت را مختل یا تهدید به اختلال کند، تا آن‌جا که تجارت بین کشورهای عضو را تحت تاثیر قرار می‌دهد در تعارض با [قواعد] بازار مشترک، تلقی می‌شود».

### ۱- دلایل ممنوعیت کمک‌های دولتی

اساس و مبنای ممنوعیت «کمک‌های دولتی» در اتحادیه‌ی اروپا این است که کمک‌های مقامات عمومی دول عضو به برخی بنگاه‌های مورد حمایت خود، ممکن است زمینه رقابت بنگاه‌های فعال در جامعه‌ی اروپا را به خطر بیندازد. به عبارت دیگر، اگر دول عضو بتوانند از برخی بنگاه‌های داخلی خود، با کمک‌هایی که قدرت رقابت آن‌ها را افزایش می‌دهد، حمایت کنند، آن‌گاه فلسفه‌ی قواعد رقابت، زیر سوال رفته و قواعد مزبور بیهوده خواهند شد. به همین دلیل، این‌گونه کمک‌های دولتی، یارانه‌هایی تلقی شده‌اند که مصداق این جمله‌ی انگلیسی هستند: «همسایه‌ام را به خاک سیاه نشان».<sup>۱۰ و ۱۱</sup>

البته برخی از نویسندگان حقوق رقابت در اروپا، معتقداند که کمک‌های یک دولت

10. "Beggar my neighbour".

11. Rodger, Barry J. & Mac Culloch, Angus, **Competition Law and Policy in the EC and UK**, Cavendish Publishing Limited, London, Sydney, Portland, Oregon, Third edition, 2004, p. 251.

عضو اتحادیه، صرفاً به بنگاه‌های فعال در این اتحادیه آسیب نمی‌زند بلکه آسیب‌هایی برای سایر بنگاه‌های داخلی و اقتصاد خود آن کشور نیز در پی خواهد داشت. به‌عنوان مثال، ایشان معتقداند علاقه‌ی سیاست‌مداران به کاهش بیکاری در یک حوزه‌ی انتخاباتی از طریق اعطای «کمک» به شرکت‌های ناموفق، ممکن است باعث عدم کارآیی شده و این عدم کارآیی، در درازمدت، می‌تواند منجر به یک بیکاری شدیدتر گردد؛ چرا که بعداً دولت، برای بازیافت «کمک‌های اعطایی»، چاره‌ای جز افزایش مالیات‌ها ندارد و نیز به محض کاهش «کمک‌ها»، شرکت‌های مورد حمایت، به ناچار، میدان را به رقبای بین‌المللی واگذار خواهند کرد.<sup>۱۲</sup> در برخی از ایالت‌های آمریکا، قانون اساسی، یک شرط مربوط به «تعدیل بودجه» را مقرر نموده تا از تسلیم شدن دولت‌های ایالتی در برابر وسوسه‌ی هزینه-کرد قبل از هر انتخابات، جلوگیری نماید.<sup>۱۳</sup>

اشخاصی که بیش‌ترین آسیب را از «کمک‌های دولتی» متحمل می‌شوند، سه گروه هستند: گروه اول، بنگاه‌هایی هستند که در همان منطقه و در همان صنعت فعالیت می‌کنند و مجبوراند با رقابتی مواجه شوند که یک طرف آن (رقیب ایشان)، مورد حمایت دولت قرار گرفته است؛ گروه دوم، بنگاه‌هایی هستند که عملکرد اقتصادی موفق و سودآوری در همان کشور دارند و مجبوراند مالیات بیش‌تری به دولت پردازند تا منابع لازم برای «کمک‌های دولت» به بنگاه‌های مورد حمایت تامین شود و اگر «کمک‌های دولتی» نمی‌بود، ایشان مجبور به پرداخت آن مبالغ سنگین بابت مالیات نبودند؛ و بالاخره گروه سوم،

12. Korah, *op.cit.*, p. 199.

13. Vives, Xavier, **Competition Policy in the EU, Fifty Years on from the Treaty of Rome**, Oxford University Press, First Published, 2009, p. 180.

کارگرانی (فاقد شغل) هستند که اگر کمک‌های دولتی و مالیات‌های فوق‌الذکر نمی‌بود، توسط بنگاه‌های گروه دوم، استخدام و مشغول به کار می‌شدند.<sup>۱۴</sup>

«کمک‌های دولتی» از جهات دیگری نیز باعث عدم کارآیی است. برای مثال، اگر این توقع وجود داشته باشد که بنگاه‌های در شرف ورشکستگی، ممکن است به وسیله‌ی کمک‌های دولتی نجات یابند، این امر، امکان دارد شرکت‌ها را ترغیب کند که اقدام به سرمایه‌گذاری‌های بسیار پُرخطر کرده یا تصمیمات مدیریتی اهمال‌کارانه اتخاذ کنند. از یک نگاه وسیع‌تر، بنگاهی که «کمک‌های دولتی»، صرفاً به رقبا‌ی وی تعلق می‌گیرد، به احتمال زیاد، انگیزه‌ی خود را برای کارآمدتر شدن از طریق کاهش هزینه‌ها و افزایش کیفیت و یا اقدام به نوآوری و ابتکار، از دست خواهد داد، زیرا بنگاه کارآمد، ملاحظه می‌کند که تمام مزایای رقابتی که ممکن است از این کارآیی نصیب وی شود، به وسیله‌ی اعطای کمک دولتی به رقبا‌ی تنبل او، خنثا خواهد شد.<sup>۱۵</sup>

هم‌چنین، امید شرکت‌ها به دریافت کمک‌های دولتی باعث می‌گردد که ایشان ترغیب شوند سرمایه‌ها و منابع خود را از فعالیت‌های تولیدی خارج و به سمت فعالیت‌های سودجویانه‌ی غیرتولیدی منتقل کنند که آثار ناگوار این گونه فعالیت‌های سودجویانه بسیار زیاد است. «لابی کردن»<sup>۱۶</sup> برای دریافت کمک‌های دولتی، می‌تواند یکی از مصادیق این فعالیت‌های سودجویانه‌ی غیرتولیدی باشد.<sup>۱۷</sup>

14. Korah, *op.cit.*, p. 200.

15. Vives, *op.cit.*, pp. 179-180.

16. Lobbying.

17. *Ibid.*, p. 180.

یکی از آثار ضدرقابتهی کمک‌های دولتی، این است که در درازمدت ممکن است ساختار بازار را از حالت رقابتهی خارج کند و آن را به حالت متمرکز درآورد؛ به‌عنوان مثال، یک «کمک دولتی»، ممکن است بنگاهی را قادر سازد که یک «استراتژی تهاجمی»<sup>۱۸</sup> علیه سایر بنگاه‌های رقیب در پیش گیرد و این امر، باعث خواهد شد که رقبا مجبور شوند که یا بازار مربوطه را ترک کنند و یا این که در بنگاه دریافت‌کننده‌ی «کمک دولتی» ادغام شوند.<sup>۱۹</sup> به همین دلیل است که مشاهده می‌شود ماده‌ی ۵۲ ق.ا.س.ا. ۴۴، به ایجاد «تسلط در بازار»، به‌عنوان یکی از آثار «کمک‌های دولتی» توجه داشته است.

ماده‌ی ۸۷ معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا، مسئله‌ی کمک‌های دولتی را صرفاً از این نظر مورد توجه قرار داده که ممکن است یکی از دولت‌های عضو اتحادیه، از این ابزار برای تقویت بنگاه‌های داخلی خود و تضعیف جایگاه رقابتهی بنگاه‌های سایر کشورهای عضو استفاده کند؛<sup>۲۰</sup> اما با توجه به دلایلی که در سطور فوق ذکر شد، کمک‌های دولتی، برای رقابت و اقتصاد داخلی یک کشور نیز آثار زیان‌باری در پی خواهد داشت. به همین لحاظ، وضع ماده‌ی ۵۲ ق.ا.س.ا. ۴۴ در حقوق رقابت ایران، یک اقدام کاملاً قابل دفاع و شایسته، از سوی قانون‌گذار ایرانی بوده است.

## ۲- ارکان این ممنوعیت

ممنوعیت «کمک‌های دولتی» مبتنی بر ارکانی است که کنکاش و مذاقه در آن‌ها ما

18. Predatory Strategy.

19. Vives, *op.cit.*, p. 185.

20. Rose, Vivien & Child, Graham, **Common Market Law of Competition**, Sweet & Maxwell, London, Fourth edition, Second Impression, 1995, p. 908.



را در درک روشن و دقیق‌تر از این قاعده، کمک خواهد کرد. مفهوم «کمک دولتی»، «تبعیض آمیز بودن» و نیز «اخلال در رقابت» سه رکن این قاعده هستند که به ترتیب، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. البته در حقوق اتحادیه‌ی اروپا، «موثر بودن این کمک‌ها بر تجارت بین کشورهای عضو» نیز یکی از مولفه‌های این ممنوعیت است که در خلال بحث در مورد ملاک «اخلال در رقابت» به آن اشاره می‌شود؛ ضمن این که شرط مزبور (موثر بودن بر تجارت بین کشورهای عضو)، فقط مختص به حقوق اتحادیه‌ی اروپاست و در مورد حقوق ایران، چنین شرطی موضوعاً منتفی است.

#### ۱-۲- مفهوم «کمک دولتی»

معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا، مفهوم «کمک دولتی» را تعریف نکرده است. اما رویه‌ی قضایی دیوان دادگستری اروپا، این نکته را روشن کرده که مفهوم «کمک»، صرفاً محدود به «یارانه»<sup>۲۱</sup> (کمک مالی) نمی‌شود و مفهوم گسترده‌تری دارد. دیوان دادگستری اروپا، در پرونده‌ی «Steenkolenmijnen»<sup>۲۲</sup> بیان داشت: «مفهوم کمک، گسترده‌تر از مفهوم «یارانه» است، زیرا مفهوم کمک، نه تنها «منافع ایجابی»<sup>۲۳</sup> هم‌چون یارانه‌ها را دربر می‌گیرد، بلکه شامل آن دسته از مداخلات نیز می‌شود که به انحای مختلف، هزینه‌هایی را که عموماً در بودجه‌ی یک بنگاه وجود دارد، کاهش می‌دهد...». بعدها مفهوم کمک دولتی، گسترش بیش‌تری نیز پیدا کرد و طیف وسیعی از حمایت‌های تبعیض‌آمیز دولت از برخی بنگاه‌ها را در خود جای داد.

21. Subsidy.

22. Case 30/59 *Steenkolenmijnen v. High Authority* [1961] ECR 1, 19.

23. Positive Benefits.

بنابراین مفهوم «کمک دولتی»، در برگیرنده‌ی مفاهیم وسیعی از این قبیل است: «یارانه‌های مستقیم»<sup>۲۴</sup>، «یارانه‌های مربوط به بهره»<sup>۲۵</sup>، اعطای «وام‌های بلاعوض یا کم-بهره»<sup>۲۶</sup>، «تزریق سرمایه»<sup>۲۷</sup>، «امتیازات»<sup>۲۸</sup>، «گرامت مربوط به فشارهای مالی تحمیلی دولت»<sup>۲۹</sup>، «اعراض از دریافت مبالغ استحقاقی»<sup>۳۰</sup>، «شرایط ترجیحی»<sup>۳۱</sup> (اعطای حق تقدم)، «تخفیف در قیمت‌ها»<sup>۳۲</sup>، «قراردادهای عرضه‌ی عمومی»<sup>۳۳</sup>، «تخفیف در هزینه‌های امنیت اجتماعی»<sup>۳۴</sup>، «چشم‌پوشی از عواید دولتی»<sup>۳۵</sup>، «تعویق مسئولیت‌های مالیاتی»<sup>۳۶</sup>، «تبلیغات رایگان در تلویزیون دولتی»<sup>۳۷</sup> و هرگونه «امتیاز مجانی»<sup>۳۸</sup> از قبیل «ضمانت دولت از دیون بنگاه»<sup>۳۹</sup> (اعتبارات تضمینی) و...<sup>۴۰</sup>

24. Direct Subsidies.
25. Interest Subsidies.
26. Interest-Free Loans or Low Interest Loans.
27. Capital Injection.
28. Grants.
29. Compensation for Government-Imposed Financial Burdens.
30. The Forgoing of Recovery of Sums Due.
31. Preferential Terms.
32. Price Reductions.
33. Public Supply Contracts.
34. Reduction in Social Security Charges.
35. Forgoing of State Revenue.
36. Deferment of Tax Liabilities.
37. Free Advertising on State-Owned Television.
38. Gratuitous Advantage.
39. State Guarantee of the Firm's Debts.

ماده‌ی ۵۲ ق.ا.س.ا. ۴۴ ایران نیز اگرچه «کمک دولتی» را تعریف نکرده، اما نحوه‌ی تنظیم آن، هم از این جهت که مصادیق متنوعی از کمک‌های دولتی را ذکر کرده و هم از این جهت که تمثیلی بودن این مصادیق را مورد اشاره قرار داده است، توجه دقیق قانون‌گذار را نسبت به گستره‌ی بسیار وسیع این مفهوم نشان می‌دهد. با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت مفهوم کمک دولتی از لحاظ حقوق رقابت، عبارت است از هرگونه مساعدت، همکاری، امتیاز یا ترجیحی که دولت به صورت تبعیض‌آمیز، صرفاً نسبت به برخی از بنگاه‌ها اعمال می‌کند.

## ۲-۲- تبعیض‌آمیز بودن

یکی از قیدهایی که در ماده‌ی ۵۲ ق.ا.س.ا. ۴۴ برای این ممنوعیت بیان شده، قید «به صورت تبعیض‌آمیز به یک یا چند بنگاه یا شرکت» است. در بند ۱ از ماده‌ی ۸۷ معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا نیز «کمک دولتی»، برای این که ممنوع تلقی شود، مقید به این قید شده که «به بنگاه‌های خاص یا به تولید کالاهای خاصی اختصاص یابد». بنابراین، تبعیض‌آمیز بودن این کمک‌ها، یکی از ارکان ممنوعیت مقرر در این قاعده است. در حقوق اتحادیه‌ی اروپا، اگر تمامی بنگاه‌های یکی از کشورهای عضو، بدون این که تفکیکی بین ایشان صورت گیرد، همگی از یک کمک دولتی بهره‌مند شوند، این فرض مشمول ممنوعیت مذکور در ماده‌ی ۸۷ معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا نخواهد بود.<sup>۴۱</sup> برای تحقق ملاک «تبعیض‌آمیز بودن»، لازم است بین «تدابیر عام سیاست اقتصادی»<sup>۴۲</sup>

←

40. Slot, *op.cit.*, p. 278; -Korah, *op.cit.*, p. 200- Rodger, *op.cit.*, p. 253.

41. Slot, *op.cit.*, p. 278.

42. General Economic Policy Measures.

و آن دسته از تدابیر سیاست اقتصادی که منحصرأ صنایع خاصی را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم منتفع می‌کنند، تفکیک نماییم. کمک‌های دولتی ممنوع، معمولاً شامل تدابیر عام سیاست اقتصادی، هم‌چون کاهش نرخ مالیات‌ها و سایر سیاست‌های مالی نمی‌شود. معافیت‌های مالیاتی و نیز کاهش نرخ مالیاتی که فقط برخی کالاها را تعریف شده را با ملاک‌هایی هم‌چون کالاها یا یک منطقه یا کالاها موضوع یکی از بخش‌های اقتصاد شامل شوند، می‌توانند یک نوع کمک دولتی ممنوع تلقی شوند. هنگامی که یک کمک دولتی، صرفاً به یک فعالیت اقتصادی معین، یک بخش خاص از اقتصاد، یک نوع مشخص از فعالیت صنعتی، یک محدوده‌ی جغرافیایی خاص، یا به نگاه‌هایی که دارای ماهیتی ویژه باشند اختصاص یابد، در این صورت، ملاک «تبعیض آمیز بودن»، تحقق یافته است.<sup>۴۳</sup>

تفکیک بین تدابیر عام و خاص، هم‌واره کار آسانی نیست. در پرونده‌ی «*Italy v. Commission*»<sup>۴۴</sup>، دولت ایتالیا نرخ مبالغ مشارکت در امنیت اجتماعی را برای صنعت پارچه کاهش داده بود. دولت ایتالیا، مدعی بود که این کاهش نرخ، صرفاً به منظور ترمیم موقعیت رقابتی صنعت پارچه بوده است زیرا این صنعت، درصد بالایی از کارگران زن را استخدام کرده و این امر شرایطی را به وجود آورده که میزان سهم مشارکت این صنعت در امنیت اجتماعی، از میزان سود آن بیش تر شده است. بر اساس طرح امنیت اجتماعی ایتالیا، میزان سودهای پرداختی به کارگران، بسته به نیازمندی‌های خانوادگی هر کارگر، متفاوت بود و میزان مشارکت هر شرکت در تامین مبالغ لازم برای این سودها، بستگی داشت به هزینه‌هایی که آن شرکت بابت دستمزد کارگران پرداخت می‌کند. در صنعت پارچه‌ی ایتالیا، دارای درصد بسیار پایینی از کارگران مرد حضور داشتند که می‌توانستند به‌عنوان

43. Rodger, *op.cit.*, p. 255.

44. Case 173/73 *Italy v. Commission* [1974] ECR 709.

سرپرست خانوار، چنین سودهایی (سودهای طرح امنیت اجتماعی) را مطالبه کنند. در نتیجه، صنعت پارچه بسیار بیش‌تر از سودی که از این طرح نصیب کارگران مرد شاغل در این صنعت می‌شد، به سیستم پرداخت می‌نمود.<sup>۴۵</sup> در نهایت، با وجود دفاعیات فوق‌الذکر که توسط دولت ایتالیا مطرح گردید، چنین حکم صادر شد که اقدام دولت ایتالیا، نوعی کمک دولتی ممنوع بوده زیرا فقط صنعت پارچه‌ی ایتالیا از آن منتفع شده است.

با توجه به افزایش پیچیدگی ابزارهای مالیاتی که توسط کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا اعمال می‌شوند، مولفه‌ی «تبعیض‌آمیز بودن»، تبدیل به یک موضوع غامض و مسئله-برانگیز شده است. به خصوص، یک بحث اختلاف‌برانگیز این است که آیا یک تدبیر مالیاتی می‌تواند با توجه به ماهیت آن، یا با توجه به این‌که یک طرح مالیاتی عام در آن سیستم بوده است، موجه تلقی شود. دیوان دادگستری اروپا، این موضوع را در پرونده‌ی «Adria-Wein»<sup>۴۶</sup>، مورد بازبینی قرار داد. دیوان، در این پرونده مقرر کرد که چنان‌چه بنگاه‌های مشابه در یک شرایط قابل مقایسه، به‌نحو نامتناسبی از این تدبیر مالیاتی متاثر شوند و هیچ توجیه عینی در مورد این طرح عام مالیاتی وجود نداشته باشد، در این وضعیت ملاک «تبعیض‌آمیز بودن» محرز است و لذا این فرض، مشمول عنوان کمک‌های دولتی ممنوعه تلقی می‌شود. دیوان دادگستری اروپا، تاکید کرده که منطق هر طرح مالیاتی باید شفاف، واضح و دارای انسجام منطقی باشد، در غیر این صورت، طرح مزبور مشمول اصل «تبعیض‌آمیز بودن» خواهد بود. هم‌چنین عدول دولت از هر طرح مالیاتی عام نیز باید همین

45. Slot, *op.cit.*, p. 278-279.

46. Case C-143/99 *Adria-Wein Pipeline GmbH, Wietrsdorfer & Peggauer Zementwerke GmbH v. Finanzlandesdirektion Fur Karnten* [2002] ECR I-8365; [2002] 1 CMLR 38.

شرایط (شفافیت و انسجام منطقی) را دارا باشد.<sup>۴۷</sup> با وجود این که در ایران هنوز رویه‌ی قضایی خاصی در مورد ماده‌ی ۵۲ ق.ا.س.ا. شکل نگرفته، اما این نکته مسلم است که به تصریح ماده‌ی مزبور، برای این که اقدام دولت مشمول ممنوعیت مذکور در این ماده قرار گیرد، لزوماً باید ملاک «تبعیض آمیز بودن» احراز گردد. البته ماده‌ی یادشده، به این نکته نیز توجه داشته که تبعیض آمیز بودن صرفاً مربوط به حالتی نیست که فقط یک بنگاه از امتیاز دولتی بهره‌مند می‌شود، بلکه حتی اگر گروهی از بنگاه‌ها از این امتیاز منتفع شوند اما سایر بنگاه‌ها از آن محروم باشند، در این صورت این امتیاز، یک کمک تبعیض آمیز دولتی محسوب می‌شود.

### ۳-۲-۳- اخلال در رقابت

ماده‌ی ۵۲ ق.ا.س.ا. ۴۴ کمک‌های دولتی را در صورتی ممنوع تلقی کرده که موجب تسلط در بازار یا اخلال در رقابت شود. بدیهی است موقعیت مسلطی که برای یک بنگاه، در اثر دریافت کمک‌های دولتی تبعیض آمیز حاصل می‌شود نیز خود نوعی اخلال در رقابت است. اساساً در حقوق اتحادیه‌ی اروپا نیز ملاک برای تشخیص اخلال در رقابت، این است که آیا این کمک‌ها توانسته موقعیت بنگاه‌های دریافت کننده را در مقابل سایر بنگاه‌های رقیب تقویت نماید یا خیر.<sup>۴۸</sup>

بند ۱ از ماده‌ی ۸۷ معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا نیز کمک‌های دولتی را در صورتی منافی با قواعد بازار مشترک اروپا دانسته که «رقابت را مختل یا تهدید به اختلال کند». در بند ۱ از ماده‌ی ۸۷ معاهده، شرط دیگری نیز درج شده که عبارت است از «تاثیر بر تجارت

47. Rodger, *op.cit.*, p. 255.

48. Slot, *op.cit.*, p. 279- Rodger, *op.cit.*, p. 256.

بین کشورهای عضو اتحادیه». ممنوعیت کمک‌های دولتی در حقوق ایران نمی‌توانسته مشروط به چنین شرطی باشد زیرا این شرط، در ایران سالبه به انتفاء موضوع است. گو این‌که این دو شرط («اخلال در رقابت» و «تأثیر بر تجارت بین کشورهای عضو اتحادیه») در عمل، با یکدیگر انطباق دارند و معمولاً با هم محقق می‌شوند. به همین دلیل، این امر معمول است که آن‌ها را به جای یکدیگر به کار می‌برند، هرچند از لحاظ نظری، بین این دو مفهوم تفاوت وجود دارد.<sup>۴۹</sup>

کمیسیون اروپا، در خصوص کمک‌های دولتی سیاست حداقلی اتخاذ کرده است. در واقع، سیاست کمیسیون بر این فرض استوار شده که کمک‌های محدود، نه تجارت بین کشورهای عضو اتحادیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نه باعث اخلال در رقابت در اتحادیه-ی اروپا می‌شود. سیاست حداقلی مزبور، امروزه جایگاه حقوقی استوارتری در حقوق رقابت اتحادیه‌ی اروپا پیدا کرده است. ماده‌ی ۲ «آیین‌نامه‌ی ۹۹۴/۹۸»<sup>۵۰</sup>، به کمیسیون این اختیار را می‌دهد که از طریق وضع یک آیین‌نامه، آستانه‌ای (حداقلی) را تعیین کند که بر اساس آن، کمک‌هایی که کم‌تر از آن آستانه (حداقل) باشند، جزو کمک‌های دولتی ممنوعه در ماده‌ی ۸۷ محسوب نشوند. کمیسیون نیز از این اختیار قانونی استفاده نموده و با تنظیم «آیین‌نامه‌ی ۶۹/۲۰۰۱»<sup>۵۱</sup>، این حداقل را تعیین کرده است. ماده‌ی ۲ آیین‌نامه‌ی

49. Slot, *op.cit.*, p. 280.

50. Regulation 994/98/ EC on the Application of Articles 92 [87] and 93 [88] of the EC Treaty Establishing the European Community to Certain Categories of State Aid (Horizontal Aid Regulation), OJ 1998, L 142/1.

51. Regulation 69/2001/EC on the Application of Articles 87 and 88 of the EC Treaty to *de minimis* aid, OJ 2001, L 10/30.

مزبور مقرر می‌دارد کمک‌های اعطا شده به «یک بنگاه» در یک دوره‌ی زمانی سه ساله، تا مبلغ ۱۰۰.۰۰۰ یورو فاقد شرایط مقرر در بند ۱ از ماده‌ی ۸۷ معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپاست. در غیر این صورت (چنانچه مبلغ کمک بیش‌تر از این مبلغ باشد)، به صرف این که ثابت شود چنین کمکی اعطا شده، رکن «اخلال در رقابت» تحقق یافته، و نیاز به دلیل جداگانه-ای برای اثبات اخلال در رقابت وجود ندارد.<sup>۵۲</sup>

در ق. ا. س. ا. ۴۴ ایران، برای این که کمک دولتی مخل رقابت تلقی شود، حداقل خاصی از لحاظ مبلغ مشخص نشده است، اما به هر حال صرف این که ماده‌ی ۵۲ ق. ا. س. ا. ۴۴، شرط ممنوعیت این کمک‌ها را اخلال در رقابت توسط این کمک‌ها اعلام کرده، نشان می‌دهد که کمک‌هایی که به خاطر پایین بودن مبلغ آن‌ها، نتوانند موجب اخلال در رقابت یا ایجاد تسلط برای بنگاه‌های دریافت‌کننده شوند، بر اساس این ماده ممنوع نخواهند بود.

### ۳- استثنائات این ممنوعیت

کمک‌های دولتی، هم‌واره آثار نامطلوب از خود به جای نمی‌گذارند بلکه در برخی موارد، این کمک‌های می‌توانند مفید واقع شوند. گاهی ممکن است این کمک‌ها از «شکست‌های بازار»<sup>۵۳</sup> که ناشی از وجود برخی «تأثیرات بیرونی»<sup>۵۴</sup> یا «عدم تقارن اطلاعاتی»<sup>۵۵</sup> و یا «کمبود رقابت»<sup>۵۶</sup> هستند، بکاهند و آثار مثبتی در پی داشته باشند.<sup>۵۷</sup>

52. Rodger, *op.cit.*, p. 256.

53. Market Failure.

54. Externalities.

55. Informational Asymmetry.



به دلیل آثار مثبت احتمالی کمک‌های دولتی، در حقوق اتحادیه‌ی اروپا، قاعده‌ی ممنوعیت کمک‌های دولتی، به اطلاق خود باقی نمانده و استثنائاتی بر آن وارد شده است. این استثنائات، در دو گروه «استثنائات اجباری»<sup>۵۸</sup> و «استثنائات اختیاری»<sup>۵۹</sup> دسته‌بندی شده‌اند که به ترتیب به آن‌ها خواهیم پرداخت.

### ۱-۳- استثنائات اجباری

استثنائات اجباری، آن دسته از کمک‌های دولتی هستند که معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا، به صورت مطلق آن‌ها را از ممنوعیت بند ۱ از ماده‌ی ۸۷ معاهده مستثنا و معاف نموده است. در حقیقت، مستثنا بودن این گروه از کمک‌های دولتی قطعی است و هیچ نهادی در اتحادیه‌ی اروپا (از جمله کمیسیون اروپا) چنین صلاحیتی ندارد که تصمیم بگیرد که آیا چنین معافیت‌هایی را اعمال نماید یا خیر.<sup>۶۰</sup> به بیان دیگر معاف بودن این موارد، به هیچ وجه نمی‌تواند مورد تردید واقع شود. مستند این معافیت‌ها، بند ۲ از ماده‌ی ۸۷ معاهده-ی اتحادیه‌ی اروپاست که انواع کمک‌های مشمول این نوع معافیت را احصا نموده است.

بند ۲ از ماده‌ی ۸۷ معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا بیان می‌دارد:

«... ۲- موارد ذیل با [قواعد] بازار مشترک سازگار تلقی می‌شود:

(a) کمکی که دارای یک ماهیت اجتماعی باشد و به افراد مصرف‌کننده اختصاص

←

56. Lack of Competition.

57. Vives, *op.cit.*, p. 186.

58. Mandatory Exceptions.

59. Discretionary Exceptions.

60. Slot, *op.cit.*, p. 282.

- یافته باشد، مشروط بر این که کمک مزبور، بدون تبعیض در خصوص مبدأ محصولات مورد نظر اعطا شود؛
- (b) کمکی که به منظور بهبود خسارت ناشی از بلایای طبیعی یا حوادث غیرمترقبه اعطا شود؛
- (c) کمکی که به اقتصاد مناطق خاصی از جمهوری فدرال آلمان که از تقسیم آلمان متاثر شده‌اند، اعطا شود؛ البته تا آنجا که چنین کمکی، برای جبران ضررهای اقتصادی ناشی از تقسیم مزبور ضرورت داشته باشد.

### ۲-۳- استثنائات اختیاری

این دسته از استثنائات، مواردی هستند که بر اساس بند ۳ از ماده‌ی ۸۷ معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا **ممکن است** بر اساس **صلاح‌دید کمیسیون اروپا**، از ممنوعیت کمک‌های دولتی معاف شوند. در واقع، این در اختیار کمیسیون است که با بررسی این مصادیق، آن‌ها را معاف کند یا خیر.

بند ۳ از ماده‌ی ۸۷ معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا مقرر داشته است:

«...۳- موارد ذیل ممکن است با [قواعد] بازار مشترک سازگار تلقی شود:

- (a) کمک به ارتقای توسعه‌ی اقتصادی مناطقی که استاندارد زندگی به صورت غیرعادی پایین است یا مناطقی که در آن بیکاری شدید حاکم است؛
- (b) کمک به پیش‌برد اجرای یک پروژه‌ی مهم که کل جامعه‌ی اروپا از آن منتفع خواهد شد یا کمک به اصلاح یک اختلال جدی در اقتصاد یکی از کشورهای عضو؛

- (c) کمک به تسهیل توسعه‌ی برخی فعالیت‌های اقتصادی یا توسعه‌ی برخی مناطق اقتصادی، مشروط به این که کمک مزبور، تاثیر معکوس بر شرایط تجارت، به حدی که متعارض با منافع مشترک باشد، ایجاد نکند؛
- (d) کمک به ارتقای قرابت فرهنگی و حفظ میراث فرهنگی، مشروط به این که کمک مزبور شرایط تجارت و رقابت را در جامعه‌ی اروپا به‌نحوی متاثر نکند که متعارض با منافع مشترک باشد؛
- (e) دسته‌های دیگری از این‌چنین کمک‌های دولتی که ممکن است به پیشنهاد کمیسیون اروپا و تصویب «شورا» [شورای وزیران]، با یک اکثریت معین، تعیین شود».

مقررات مذکور فهرستی از چهارگونه کمک‌های دولتی را ارایه می‌کند که به **صلاح‌دید کمیسیون اروپا ممکن است** مشمول معافیت قرار گیرند. این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که مقررات بند ۳ از ماده‌ی ۸۷ معاهده، مورد تفسیر مضیق واقع شده است. به همین دلیل، در پرونده‌ی «Philip Morris»<sup>۶۱</sup>، دیوان دادگستری اروپا تفسیر کمیسیون اروپا را مورد تایید قرار داد که بر اساس آن، کمک‌های دولتی تنها تا آن حد می‌توانند مشمول معافیت قرار گیرند که برای دستیابی به اهداف مذکور در بند ۳ از ماده-۸۷ معاهده ضرورت داشته باشند. به‌طور خلاصه لوازم این معافیت عبارت‌اند از این که:

۱- کمک مورد نظر باید باعث ارتقا یا پیشرفت پروژه‌ای شود که به نفع کل جامعه‌ی اروپا باشد؛

۲- کمک مزبور، باید برای نیل به این هدف، «ضروری» باشد و هدف مذکور، بدون

61. Case 730/79 Philip Morris Holland BV v. Commission [1980] ECR 2671.

چنین تدبیری دست یافتنی نباشد؛

۳- مدت، شدت و قلمرو این کمک متناسب با اهمیت هدف مورد نظر باشد.<sup>۶۲</sup>

بر خلاف مقررات معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا، قانون‌گذار ایرانی در ماده‌ی ۵۲ ق.ا. س.ا. ۴۴، هیچ استثنا یا معافیتی برای قاعده‌ی ممنوعیت کمک‌های دولتی ذکر نکرده است. بدیهی است چنین موضعی، مشکلات عمده‌ای به بار خواهد آورد؛ زیرا حتی اگر دولت بخواهد در اموری که واقعا نیازمند کمک دولت است و دخالت دولت، توجیهات منطقی متعددی دارد وارد شود و با اعطای یک کمک دولتی معضلات شدید یک منطقه خاص یا یک بخش از صنعت و اقتصاد را حل کند، با ممنوعیت مطلق که در ماده‌ی ۵۲ وضع شده، این اقدامش خلاف قانون تلقی خواهد شد. بدیهی است دولت ممکن است مجبور باشد برای حل مشکلات ناشی از حوادث غیرمترقبه هم چون سیل، زلزله و خشک‌سالی، کمک‌هایی به بنگاه‌های فعال در یک منطقه‌ی خاص انجام دهد که با وجود این که منفعی برای آن بنگاه‌ها در پی خواهد داشت و موقعیت رقابتی آن‌ها را تا حدودی تقویت خواهد کرد، اما منافع کلی آن نصیب کل آن منطقه از کشور شده و در نهایت به صورت کلی بر اقتصاد ملی تاثیر خواهد گذاشت. اما ممنوعیت مذکور در ماده‌ی ۵۲، حتی شامل این‌گونه اقدامات دولت نیز خواهد شد. باید توجه داشت که بنگاه‌های خصوصی، برای ورود در برخی عرصه‌ها تمایل چندانی ندارند و خصوصی‌سازی در آن عرصه‌ها نیازمند این است که حمایت‌هایی از طرف دولت نسبت به بنگاه‌هایی که وارد آن عرصه خواهند شد انجام گیرد، تا انگیزه‌ی لازم برای فعالیت در آن موضوعات ایجاد گردد. بدیهی است دولت مسئولیت‌های مختلفی بر عهده دارد و نمی‌تواند به صرف مقررات

62. Slot, *op.cit.*, pp. 282-283.

ماده‌ی ۵۲ ق. ا. س. ا. ۴۴، از انجام بسیاری از مسئولیت‌های خود که به ناچار باید از طریق اعطای کمک دولتی و حمایت‌های مشابه انجام دهد، صرف‌نظر نماید، هم‌چنان که در اتحادیه‌ی اروپا، یک کمک دولتی مزاحم رقابت، چنان‌چه با سایر اهداف جامعه‌ی اروپا (به جز هدف تسهیل رقابت) منطبق باشد می‌تواند مشمول معافیت قرار گیرد و ممنوع تلقی نشود؛ به‌عنوان مثال، کمک‌های دولتی که در راستای «سیاست زیست‌محیطی»<sup>۶۳</sup> اتحادیه‌ی اروپا مذکور در مواد ۶ و ۱۷۴ معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا هستند می‌توانند مشمول معافیت قرار گیرند.<sup>۶۴</sup>

به نظر می‌رسد ماده‌ی ۵۲ ق. ا. س. ا. ۴۴، با اطلاقی که دارد بدون توجه به واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه‌ی ما وضع شده است. در کشور ما که هنوز هم دولت بزرگ‌ترین فعال اقتصادی محسوب می‌شود و سهم آن در فعالیت‌های اقتصادی اعم از فعالیت‌های صنعتی، خدماتی، توزیعی و عرصه‌های مختلف تجاری بسیار بیش‌تر از بخش خصوصی است، و طبیعتاً بخش خصوصی در بسیاری از عرصه‌ها، بدون کمک دولت نمی‌تواند فعالیت کند، به نظر این نحوه‌ی اطلاق قابل دفاع نباشد. با توجه به این نکات، اصلاح ماده‌ی ۵۲ ق. ا. س. ا. ۴۴ و وضع مقرراتی که بیان‌گر برخی استثنائات موجه در مورد ممنوعیت کمک‌های دولتی باشد ضرورت دارد.

ممکن است در پاسخ این اشکال گفته شود که موارد فوق‌الذکر که کمک دولت برای آنها موجه و لازم است، تحت شمول ممنوعیت مذکور در ماده‌ی ۵۲ ق. ا. س. ا. ۴۴

---

63. Environmental Policy.

64. Prosser, Tony, **The Limits of Competition Law, Markets and Public Services, Studies in European Law**, Oxford University Press, New York, First Published, 2005, p. 146.

قرار نمی‌گیرد و نیازی به اصلاح این ماده نیست، چرا که نص ماده‌ی مزبور، کمک‌های دولتی را صرفاً در صورتی ممنوع کرده که موجب اختلال در رقابت شوند، حال آن‌که موارد فوق‌الذکر و امثال آن‌ها، فاقد این شرط هستند.

به نظر، این تصور پندار درستی نیست و بیان این قید (موجب تسلط در بازار یا اختلال در رقابت شود) به هیچ وجه ما را از تقنین استثنائات و معافیت‌های مربوطه بی‌نیاز نمی‌کند، زیرا واقعیت این است که بسیاری از موارد از قبیل مواردی که در بند ۲ و ۳ از ماده‌ی ۸۷ معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا بیان شده است و کمک دولت در آن خصوص ضرورت دارد، باعث ایجاد تسلط در بازار و آسیب‌هایی به رقابت می‌شوند و با وجود این، باید از ممنوعیت کمک‌های دولتی استثناء شوند؛ در حقیقت، استثنائات مواردی هستند که اگرچه آسیب‌های رقابتی ایجاد می‌کنند، اما منافع اجتماعی-اقتصادی که بر این کمک‌ها مترتب است بیش از آسیبی است که آن‌ها به رقابت وارد می‌شود؛ نه این‌که مطلقاً اثر ضد رقابتی نداشته باشند. در حقیقت، تسهیل رقابت یکی از وظایف دولت است، اما دولت وظایف دیگری نیز دارد که گاهی آن وظایف نیازمند اعطای برخی کمک‌های دولتی است هرچند که منجر به آسیب‌های رقابتی شود؛ اگر منافع ناشی از اجرای وظایف اخیر، بر آسیب‌های رقابتی ناشی از آن فائق باشد، استثنائات مذکور اجازه می‌دهد که دولت، تحت شرایطی، در آن موارد اقدام به اعطای کمک نماید. اگر قیدی هم‌چون قید مذکور در ماده‌ی ۵۲ ق. ا. س. ا. ۴۴ (موجب تسلط در بازار یا اختلال در رقابت شود)، در خصوص استثنائات وافی به مقصود می‌بود، دیگر نیازی نبود که معاهده‌ی اروپا بند ۲ و ۳ از ماده‌ی ۸۷ را به بیان استثنائات اختصاص دهد، زیرا در بند ۱ از ماده‌ی ۸۷ نیز چنین قیدی (به هر طریقی که رقابت را مختل یا تهدید به اختلال کند) وجود دارد. توجه به این نکته لازم است که مفید بودن برخی کمک‌های دولتی، لزوماً به این معنا نیست که این کمک‌ها آثار ضد رقابتی ندارند.

اکنون که ضرورت وضع معافیت‌ها و استثنائاتی در مورد قاعده‌ی ممنوعیت کمک‌های دولتی معلوم شد، ممکن است تصور شود که شورای رقابت با استناد به بند ۱ از ماده‌ی ۵۸ ق.ا.س.ا. ۴۴، این اختیار را دارد که راسا نسبت به وضع این معافیت‌ها اقدام نماید و در صورتی که شورای مزبور از این اختیار خود استفاده کند، با مشکلی در زمینه‌ی قاعده‌ی ممنوعیت کمک‌های دولتی مواجه نخواهیم بود. در حقیقت، ماده‌ی ۵۸ قانون مزبور و بند ۱ همین ماده، اشعار داشته است: «علاوه بر موارد تصریح شده در سایر مواد، این شورا وظایف و اختیارات زیر را نیز دارد: ۱- تشخیص مصادیق روبه‌های ضدرقابتی و معافیت‌های موضوع این قانون و اتخاذ تصمیم در مورد این معافیت‌ها در خصوص امور موردی مندرج در این قانون».

این دیدگاه نیز از نظر حقوقی قابل دفاع نیست. بر اساس این قانون، شورای رقابت اختیاری برای وضع معافیت برای قاعده‌ی ممنوعیت کمک‌های دولتی ندارد زیرا ماده‌ی ۵۲ قانون مزبور، اصلا معافیتی برای این قاعده پیش‌بینی نکرده تا شورای رقابت اختیار داشته باشد که مصادیق آن معافیت را تشخیص دهد. هم‌چنان‌که نص بند ۱ از ماده‌ی ۵۸ ق.ا.س.ا. ۴۴ به‌خوبی نشان می‌دهد، شورای رقابت تنها این اختیار را دارد که **مصادیق معافیت‌های موضوع ق.ا.س.ا. ۴۴** را تشخیص دهد نه این‌که در مواردی که قانون مزبور اصلا معافیتی وضع نکرده است، راسا اقدام به وضع معافیت کند. قید «**مصادیق**» در این بند، به‌خوبی روشن‌گر این معناست. هم‌چنین این بند، از قید «**معافیت‌های موضوع این قانون**» (معافیت‌های وضع شده در این قانون) استفاده کرده و همین قید، به‌خوبی نشان می‌دهد که معافیت‌ها باید توسط ق.ا.س.ا. ۴۴ وضع شده باشد و آن‌گاه توسط شورای رقابت تشخیص مصداق شود، نه این‌که در جایی که معافیتی توسط این قانون وضع نشده، شورای رقابت بتواند در عرض قانون اقدام به وضع معافیت کند. به علاوه، برای این‌که جای هیچ‌شکی باقی نماند، بند ۱ مذکور علاوه بر قیود فوق‌الذکر، قیدی در قسمت اخیر خود

گنجانده که به خوبی دیدگاه قانون‌گذار را در این زمینه روشن می‌سازد: «اتخاذ تصمیم در مورد این معافیت‌ها در خصوص امور موردی مندرج در این قانون». این قید با سیاق کاملاً یبّین، نشان می‌دهد که اختیار شورای رقابت، فقط تشخیص موردی مصادیق معافیت‌هایی است که در این قانون ذکر شده، نه وضع معافیت در مواردی که این قانون معافیتی مقرر نکرده است.

قائل شدن به این دیدگاه که شورای رقابت می‌تواند معافیت‌هایی نسبت به قاعده‌ی ممنوعیت کمک‌های دولتی مذکور در ماده‌ی ۵۲ ق. ا. س. ا. ۴۴ وضع کند، علاوه بر این که با بند ۱ ماده‌ی ۵۸ قانون مزبور سازگاری ندارد، با اصل هشتادوپنجم قانون اساسی نیز در تعارض است. اصل هشتادوپنجم قانون اساسی، از جمله بیان می‌دارد: «... مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند، ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتادودوم، به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آن با مجلس خواهد بود...». پذیرش اختیار شورای رقابت برای وضع معافیت‌هایی از ممنوعیت مذکور در ماده‌ی ۵۲ ق. ا. س. ا. ۴۴، عملاً این قدرت را در اختیار شورای مزبور قرار می‌دهد که ماده‌ی ۵۲ ق. ا. س. ا. ۴۴ را در مواردی تخصیص بزند، حال آن‌که این اقدام دخالت در قانون‌گذاری است و بر اساس اصل هشتادوپنجم قانون اساسی، قانون‌گذاری منحصرأشان قوه‌ی مقننه است و حتی خود قوه‌ی مقننه نیز نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به غیر واگذار کند.

پرسشی که ممکن است در این جا مطرح شود این است که اگر بند ۱ از ماده‌ی ۵۸ ق. ا. س. ا. ۴۴ به شورای رقابت اختیار وضع معافیت نسبت به ممنوعیت کمک‌های دولتی را اعطا نمی‌کند، پس اختیاری که در بند ۱ از ماده‌ی فوق ذکر شده شامل چه مواردی می‌شود؟ پاسخ روشن است؛ بر خلاف ماده‌ی ۵۲ ق. ا. س. ا. ۴۴ که هیچ معافیتی برای



ممنوعیت کمک‌های دولتی ذکر نمی‌کند، در برخی دیگر از مواد ق.ا.س.ا. ۴۴، معافیت‌هایی نسبت به سایر ممنوعیت‌های مذکور در این قانون ذکر شده است و بند ۱ از ماده‌ی ۵۸ ق.ا.س.ا. ۴۴ ناظر به همین موارد است که اصل معافیت‌ها توسط این قانون صراحتاً تقنین شده و شورای رقابت باید بر اساس بند ۱ از ماده‌ی ۵۸ قانون فوق مصادیق موردی این معافیت‌ها را تشخیص دهد. به‌عنوان نمونه، ماده‌ی ۵۰ ق.ا.س.ا. ۴۴، بندهای سه‌گانه‌ی تبصره‌ی ماده‌ی ۴۷ قانون مزبور و نیز تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۴۸ همین قانون، معافیت‌هایی را در موضوعات مختلف (به جز ممنوعیت کمک‌های دولتی) مقرر نموده‌اند که تصمیم‌گیری مورد به مورد در خصوص مصادیق خارجی این معافیت‌ها، بر مبنای بند ۱ از ماده‌ی ۵۸ ق.ا.س.ا. ۴۴، در اختیار شورای رقابت خواهد بود.

با توجه به آنچه مذکور افتاد، اصلاح مقررات ماده‌ی ۵۲ ق.ا.س.ا. ۴۴ و پیش‌بینی برخی معافیت‌های مربوط توسط قانون‌گذار، یک ضرورت غیرقابل اجتناب به نظر می‌رسد.

#### ۴- ضمانت اجرای این ممنوعیت

پرسشی که مطرح می‌شود این است که قاعده‌ی ممنوعیت اعطای کمک‌های دولتی دارای چه ضمانت اجرایی است و در حقوق رقابت، چه تدابیری برای جلوگیری از نقض این قاعده پیش‌بینی شده است.

در معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا، به صورت مشخص ماده‌ی ۸۸ این معاهده به بیان ضمانت اجراهای مربوط به این قاعده اختصاص یافته است. بند ۳ از ماده‌ی مزبور الزام کرده است که کمک دولتی قبل از این که اعطا شود، باید به اطلاع کمیسیون اروپا برسد. به علاوه، تا زمانی که کمیسیون بر اساس بند ۲ از ماده‌ی ۸۸ تصمیم خود را مبنی بر مطابقت یک کمک دولتی با قواعد بازار مشترک اتخاذ نکرده است، کمک مزبور نمی‌تواند به اجرا گذاشته شود. بر این اساس، کمک دولتی می‌باید به کمیسیون اطلاع داده شود و تا

قبل از این که کمیسیون آن را تایید کند، از اجرای آن خودداری شود.<sup>۶۵</sup> بند ۱ از ماده‌ی ۲ آیین‌نامه‌ی ۶۵۹/۹۹<sup>۶۶</sup>، مقرراتی تدوین کرده که بر اساس آن کمک‌های دولتی جدید باید به کمیسیون اروپا اطلاع داده شود و در غیر این صورت، کمک اعطایی یک کمک غیرقانونی تلقی خواهد شد. کمیسیون اروپا بر اساس اطلاعی که به وی داده می‌شود، یک رسیدگی اولیه نسبت به کمک پیشنهاد شده انجام می‌دهد. اگر کمیسیون، هیچ تردیدی در مورد مطابقت کمک مزبور با قواعد بازار مشترک نداشته باشد، کمک مزبور تایید می‌گردد. در غیر این صورت، کمیسیون وارد یک رویه‌ی ترافعی بر اساس بند ۲ از ماده‌ی ۸۸ خواهد شد که منتهی به صدور یک رای نهایی می‌گردد.<sup>۶۷</sup>

بر اساس بند ۲ از ماده‌ی ۸۸، کمیسیون به طرف‌های مرتبط با موضوع اخطار می‌کند که نظرات خود را به کمیسیون اعلام کنند و پس از رسیدگی‌های لازم چنانچه کمیسیون تشخیص دهد که کمک دولتی مورد نظر با قواعد بازار مشترک اروپایی سازگاری ندارد یا این که کمک مزبور مورد سوءاستفاده قرار گرفته است، طی تصمیمی با تعیین یک مهلت مشخص برای دولت مربوطه، به وی اعلام می‌کند که کمک مذکور را حذف نماید یا تغییر دهد. چنانچه دولت مزبور، ظرف این مهلت از تصمیم کمیسیون پیروی نکند، کمیسیون یا هر دولت ذینفعی می‌تواند موضوع را مستقیماً به دیوان دادگستری اروپا ارجاع

65. Montagnon, Peter, **European Competition Policy, The Royal Institute of International Affairs**, Council of Foreign Relations Press, New York, First Published, 1990, p. 33.

66. Regulation 659/99/EC Laying Down Detailed Rules for the Application of Article 93 [Article 88] of the EC Treaty, OJ 1999, L83/1.

67. Rodger, *op.cit.*, pp. 267-268.

دهد.

با عنایت به مطالب فوق‌الذکر، مشاهده می‌کنیم که در حقوق اتحادیه‌ی اروپا ضمانت‌اجراهای قابل توجهی برای قاعده‌ی ممنوعیت کمک‌های دولتی در نظر گرفته شده است. در گذشته، چنانچه رقیب یک بنگاه، کمکی دولتی دریافت می‌کرد، واکنش طبیعی این بنگاه این بود که وی نیز همانند رقیبش تلاش کند که یک کمک دولتی دریافت کند. اکنون، بنگاه مزبور می‌تواند به کمیسیون اروپا شکایت کند و این دیدگاه در حقوق اتحادیه‌ی اروپا بسیار قابل دفاع است که بنگاهی که به خاطر کمک دولت به یک بنگاه دیگر، متحمل خساراتی شده می‌تواند از دولت غرامت مطالبه نماید.<sup>۶۸</sup> البته اشخاص ثالث ذینفع، از جمله رقبای بنگاه دریافت‌کننده‌ی کمک، برای احقاق حق خود طرق مختلفی در پیش رو دارند؛ دادگاه بدوی اروپا مقرر کرده که در جریان رسیدگی مقدماتی توسط کمیسیون، نظرات شاکیان نیز توسط کمیسیون استماع و رسیدگی شود. شاکیان می‌توانند نظرات خود را ارائه نموده و یک نسخه از رای صادره در پایان رسیدگی رسمی را دریافت نمایند. همچنین، رقبای بنگاه دریافت‌کننده‌ی کمک می‌توانند تحت شرایطی (با استفاده از مقررات مواد ۲۳۰ تا ۲۳۲ معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا) به دیوان اروپا شکایت نمایند. ماده‌ی ۲۳۰ معاهده‌ی اتحادیه‌ی اروپا اجازه می‌دهد که آن دسته از دول عضو یا اشخاص ثالثی که مستقیماً و شخصاً از تصمیم کمیسیون اروپا مبنی بر تایید یک کمک دولتی متاثر شده‌اند، علیه کمیسیون اروپا اقامه‌ی دعوا نمایند.<sup>۶۹</sup>

متأسفانه ماده‌ی ۵۲ ق. ا. س. ا. ۴۴، صرفاً به بیان قاعده‌ی ممنوعیت کمک‌های دولتی بسنده کرده و هیچ ضمانت‌اجرایی برای این قاعده وضع نکرده است و این نکته، یکی از

68. Korah, *op.cit.*, p. 200.

69. Rodger, *op.cit.*, pp. 269-270.

اشکالات عمده‌ی ق. ا. س. ا. ۴۴ است. این در حالی است که برای سایر رفتارهای ضدرقابتی مذکور در مواد ۴۴ تا ۴۸ این قانون، ضمانت اجراهای متنوعی در ماده‌ی ۶۱ قانون مزبور مقرر شده است. معلوم نیست چرا ق. ا. س. ا. ۴۴ از ذکر ضمانت اجرا برای قاعده‌ی ممنوعیت‌های دولتی غفلت نکرده است؛ هم‌چنین مشخص نیست چرا قانون‌گذار، دامنه‌ی ضمانت اجراهای مذکور در ماده‌ی ۶۱ را فقط منحصر در رویه‌های ضدرقابتی مذکور در مواد ۴۴ تا ۴۸ نموده است، حال آن‌که مقنن می‌توانست به سهولت ماده‌ی ۵۲ را نیز مشمول ضمانت اجراهای مذکور در ماده‌ی ۶۱ این قانون نماید یا حداقل، با عدم درج قید «مواد ۴۴ تا ۴۸ این قانون» در صدر ماده‌ی ۶۱، خودبه‌خود اجازه دهد که ضمانت اجراهای مذکور در این ماده، عندالاقضا شامل ماده‌ی ۵۲ نیز باشد.

در حقیقت، ماده‌ی ۶۱ ق. ا. س. ا. ۴۴، در بیان ضمانت اجراها، با رفتارهای ضدرقابتی مذکور در مواد ۴۴ تا ۴۸ این قانون از یک طرف و رفتار ضدرقابتی مذکور در ماده‌ی ۵۲ همین قانون، از طرف دیگر، یک‌سان برخورد نکرده و فقط برای دسته‌ی اول ضمانت اجراهای صریح و متنوع بیان کرده است. این نحوه‌ی برخورد دوگانه جای توجیه ندارد چرا که به‌خصوص در اقتصاد ما که هنوز هم میزان مداخلات دولت در اقتصاد بسیار زیاد است، احتمال اخلال در رقابت توسط کمک‌های دولتی کم‌تر از توافقات ضدرقابتی بنگاه-ها (ماده‌ی ۴۴ ق. ا. س. ا. ۴۴) یا رویه‌های ضدرقابتی مذکور در ماده‌ی ۴۵ قانون مزبور نیست، بلکه در مواردی، ممکن است به خاطر قدرت اقتصادی فوق‌العاده‌ی دولت، اختلال جدی‌تری بر جریان سیال رقابت در بازار وارد کند. ماده‌ی ۶۱ ق. ا. س. ا. ۴۴، برای توافقات ضدرقابتی و رویه‌های ضدرقابتی (مذکور در مواد ۴۴ و ۴۵ این قانون) ضمانت اجراهایی از قبیل دستور به فسخ توافقات مزبور (بند ۱ از ماده‌ی ۶۱)، دستور به توقف توافقات و رویه‌های ضدرقابتی (بند ۲ و ۳ از ماده‌ی ۶۱)، دستور استرداد اضافه درآمد و یا توقیف اموالی که از طریق ارتکاب رویه‌های ضدرقابتی موضوع مواد ۴۴ تا ۴۸ این قانون

تحصیل شده (بند ۸ از ماده‌ی ۶۱)، دستور به بنگاه جهت عدم فعالیت در یک زمینه‌ی خاص یا در منطقه‌ی یا مناطق خاص (بند ۹ از ماده‌ی ۶۱) و... قائل شده است؛ سخن بر سر این مطلب است که چرا قاعده‌ی مهم و تعیین‌کننده‌ی هم‌چون ممنوعیت کمک‌های دولتی، نباید از حمایت ضمانت‌اجراهایی مشابه این ضمانت‌اجراها، بهره‌مند باشد؟ به هر تقدیر، با توجه به سکوت قانون‌گذار تنها چاره‌ای که باقی مانده این است که با استفاده از قواعد عام، به جست‌وجوی ضمانت اجرا برای این قاعده بپردازیم. بر این اساس، چنان‌چه به سبب اعطای کمک دولتی به برخی بنگاه‌ها، اشخاصی از قبیل رقبای آن بنگاه‌ها متحمل خسارات و ضررهایی شوند، به نظر بتوان قائل به این نظر شد که اشخاص اخیرالذکر، حق مطالبه‌ی خسارت دارند.

ماده‌ی ۶۶ ق.ا.س.ا. ۴۴ اعلام می‌دارد: «اشخاص حقیقی و حقوقی خسارت دیده از رویه‌های ضدرقابتی مذکور در این قانون، می‌توانند حداکثر ظرف یک سال از زمان قطعیت تصمیمات شورای رقابت یا هیئت تجدیدنظر مبنی بر اعمال رویه‌های ضدرقابتی، به منظور جبران خسارت به دادگاه صلاحیت‌دار دادخواست بدهند. دادگاه ضمن رعایت مقررات این قانون، در صورتی به دادخواست رسیدگی می‌کند که خواهان رونوشت رای قطعی شورای رقابت یا هیئت تجدیدنظر را به دادخواست مذکور پیوست کرده باشد.

تبصره- در مواردی که تصمیمات شورای رقابت یا هیئت تجدیدنظر، جنبه‌ی عمومی داشته و پس از قطعیت از طریق جراید کثیرالانتشار منتشر می‌شود، اشخاص ثالث ذینفع می‌توانند با اخذ گواهی از شورای رقابت مبنی بر شمول تصمیم مذکور بر آن‌ها، دادخواست خود را به دادگاه صلاحیت‌دار بدهند. صدور حکم به جبران خسارت، منوط به ارائه‌ی گواهی مذکور است و دادگاه در صورت درخواست خواهان مبنی بر تقاضای صدور گواهی با صدور قرار اناطه، تا اعلام پاسخ شورای رقابت از رسیدگی خودداری می‌نماید. رسیدگی شورا به درخواست‌های موضوع این تبصره، خارج از نوبت خواهد

بود».

ممکن است در مورد شمول مقررات ماده‌ی فوق‌الذکر نسبت به قاعده‌ی ممنوعیت کمک‌های دولتی، تردید شود زیرا از یک طرف، ماده‌ی ۶۶، صریحا مربوط به خسارت-های ناشی از «**رویه‌های ضدرقابتی**» است و از طرف دیگر، صدر ماده‌ی ۶۱ همین قانون، «**رویه‌های ضدرقابتی**» را موضوع مواد ۴۴ تا ۴۸ این قانون انگاشته است. اما به نظر، این تردید درست نیست زیرا ماده‌ی ۶۶ ق.ا.س.ا. ۴۴، بر خلاف ماده‌ی ۶۱ این قانون، «رویه‌های ضدرقابتی» را مقید به مواد خاصی از این قانون نکرده و از این جهت اطلاق دارد. وانگهی، چنان‌چه این تردید محمول بر صحت پنداشته شود، با استفاده از قواعد عام مسئولیت مدنی و از جمله با استناد به قانون مسئولیت مدنی، می‌توان حق مطالبه-ی خسارت را برای اشخاص متضرر از نقض قاعده‌ی ممنوعیت کمک‌های دولتی محفوظ دانست.

توجه به این مطلب نیز ضرورت دارد که امکان مطالبه‌ی خسارت که در بالا به آن اشاره شد، نمی‌تواند به صورت کامل، خلا مقررات صریح و دقیق در خصوص ضمانت اجرای قاعده‌ی ممنوعیت کمک‌های دولتی را پر کند، چرا که اکتفا به ضمانت اجرایی هم‌چون مطالبه‌ی خسارت وافی به مقصود نیست، زیرا اولاً بر اساس قواعد مسئولیت مدنی، مطالبه‌ی خسارت، تحقق ارکان و شرایط متعدد و دقیقی را می‌طلبد که معلوم نیست در این گونه موارد نیز با آن دقتی که مدنظر قواعد مسئولیت مدنی است، تحقق یابد.

ثانیا مطالبه‌ی خسارت، ضمانت اجرایی است که فقط خسارات و ضررهایی را که قبلا از این اقدام غیرقانونی (اعطای کمک دولتی) ناشی شده است، جبران می‌کند اما ما نیاز به ضمانت‌اجراهایی داریم که از ادامه‌ی تکرار این کمک‌ها یا تغییر شکل آن‌ها نیز جلوگیری نماید.

ثالثاً این مطلب نیز جای بحث دارد که مسئولیت جبران خسارت، بر عهده‌ی چه شخصی است؛ دولت که کمک مورد نظر را اعطا کرده یا بنگاهی که کمک مزبور را دریافت کرده است؟ مواد ۵۲ و ۶۶ ق.ا.س.ا. ۴۴، به صورت خاص، مقررات صریحی در مورد امکان مطالبه‌ی خسارات ناشی از کمک‌های دولتی ندارند و ما از فحوای مقررات مزبور و قواعد عام مسئولیت مدنی، چنین امکانی را استنباط کردیم و طبیعتاً به همین دلیل، مواد مزبور، مسئول پرداخت خسارات را نیز مشخص نکرده‌اند. در این خصوص، به نظر می‌رسد در هر پرونده‌ای، به صورت جداگانه، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال آن پرونده، باید مسئول پرداخت خسارات را تشخیص داد؛ بر این اساس، ممکن است حسب مورد، دولت یا بنگاه دریافت‌کننده‌ی کمک، یا هر دوی ایشان، مسئول جبران خسارات تلقی شوند.

رابعاً ممکن است در موارد خاصی، کمک دولتی ضرری که منطبق با ارکان و شرایط قواعد مسئولیت مدنی باشد به شخص معینی وارد نکرده باشد یا شخص مزبور، به هر دلیل، پی‌گیر مطالبه‌ی خسارت مذکور نشده باشد، اما در عین حال، همین کمک دولتی با آسیب‌هایی که به فضای رقابتی وارد می‌کند، به صورت عمومی، زیان‌هایی برای اقتصاد کشور به بار آورد؛ در این گونه موارد، چه ضمانت اجرایی وجود دارد؟ ممکن است تصور شود که ماده‌ی ۶۷ ق.ا.س.ا. ۴۴ پاسخ این پرسش را داده است. ماده‌ی مزبور بیان می‌دارد: «شورای رقابت می‌تواند در کلیه‌ی جرایم موضوع این قانون، سمت شاکی داشته باشد و از دادگاه صلاحیت‌دار، برای جبران خسارت وارد شده به منافع عمومی، درخواست رسیدگی کند». آن‌چنان‌که از متن این ماده برمی‌آید، ماده‌ی مزبور، شامل کمک‌های دولتی نمی‌شود زیرا موضوع این ماده صراحتاً مربوط به «**جرایم موضوع این قانون**» است و این مطلب نیز جای تردید ندارد که «کمک‌های دولتی» جزو جرایم مذکور در این قانون نیست و اساساً جرم‌انگاری نشده است.

با توجه به این که جبران خسارت ضمانت اجرایی است که رو به گذشته دارد، ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا با وضعیت فعلی ق.ا.س.ا. ۴۴، هیچ ضمانت اجرایی که بتواند کمک یا امتیاز دولتی اعطا شده را لغو کند وجود ندارد؟ با وجود این که ق.ا.س.ا. ۴۴ در این زمینه ساکت است، اما به نظر در شرایط فعلی، می‌توان با یک تفسیر غایت‌نگر، به لزوم لغو کمک یا امتیاز دولتی اعطا شده قائل شد؛ در حقیقت، بر مبنای این تفسیر، این که ماده‌ی ۵۲ ق.ا.س.ا. ۴۴ کمک‌های دولتی را ممنوع دانسته و ضمانت اجرایی برای آن ذکر نکرده، به این سبب بوده است که لزوم لغو این گونه کمک‌ها و امتیازات را به‌عنوان **یکی از ضمانت اجراها**، بدیهی تلقی نموده است.

این نکته نیز شایان تذکر است که حتی این تفسیر نیز ما را به کلی از وضع مقرراتی دقیق، در خصوص ضمانت اجرای قاعده‌ی مزبور مستغنی نمی‌کند؛ زیرا هم‌چنان که در بالا به تفصیل بیان شد، سکوت قانون‌گذار باعث شده که برخی از ضمانت اجراها از قبیل مطالبه‌ی خسارت، با ابهامات متعددی مواجه باشد که تنها با وضع مقررات مخصوص این موضوع می‌توانند به صورت کامل مرتفع شوند. دیگر این که، تنوع ضمانت اجراها نیز یک نیاز غیرقابل انکار است که صرفاً با وضع مقررات متعین و دقیق امکان تحقق دارد؛ تنوع ضمانت اجراها ابزار مناسبی در دست شورای رقابت خواهد بود تا بتواند در هر پرونده، با توجه به اوضاع و احوال خاص آن، از ضمانت اجراهایی استفاده کند که تاثیرگذاری بیش‌تری داشته باشد. هم‌چنان که در مورد سایر رفتارهای ضدرقابتی (مذکور در مواد ۴۴ تا ۴۸ ق.ا.س.ا. ۴۴)، بندهای دوازده‌گانه‌ی ماده‌ی ۶۱، ضمانت اجراهای متنوعی پیش‌بینی کرده و دست شورای رقابت را باز گذاشته است.



### نتیجه‌گیری

با لحاظ مطالب یادشده، به نظر می‌رسد اصلاح مقررات ق.ا.س.ا. ۴۴ در خصوص قاعده‌ی ممنوعیت کمک‌های دولتی مخمل رقابت، ضرورت دارد. این ضرورت در دو حوزه بیش‌تر خود را نمایان ساخته است؛ از یک سو لازم است با پیش‌بینی ضمانت‌اجراه‌های مناسب برای قاعده‌ی ممنوعیت کمک‌های دولتی، این قاعده‌ی تعیین‌کننده، پشتمانه‌ی محکم‌تری در حقوق ایران پیدا کرده و با منع مداخلات دولتی غیرموجه، جریان رقابت در فضای اقتصاد، با تضمین‌هایی قوی‌تر مورد حمایت قرار گیرد؛ از سوی دیگر شایسته است با وضع استثنائات و معافیت‌های دقیق در خصوص این قاعده، دست دولت در انجام برخی وظایف خود باز گذاشته شود؛ وظایفی که به ناچار، از طریق برخی کمک‌های دولتی موجه و ضروری قابلیت ایفا دارند.

## منابع

### الف: فارسی

۱. «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی» مصوب ۱۳۸۷.

### ب: انگلیسی

1. Case 173/73 *Italy v. Commission* [1974] ECR [European Court Reports] 709.
2. Case 30/59 *Steenkolenmijnen v. High Authority* [1961] ECR 1.
3. Case 730/79 *Philip Morris Holland BV v. Commission* [1980] ECR 2671.
4. Case C-143/99 *Adria-Wein Pipeline GmbH, Wietrsdorfer & Peggauer Zementwerke GmbH v. Finanzlandesdirektion Fur Karnten* [2002] ECR I-8365; [2002] 1 CMLR [Common Market Law Reports] 38.
5. Korah, Valentine, **An Introductory Guide to EC Competition Law and Practice**, Hart Publishing, Oxford and Portland Oregon, Eighth edition, 2004.
6. Montagnon, Peter, **European Competition Policy, The Royal Institute of International Affairs**, Council of Foreign Relations Press, New York, First Published, 1990.
7. Prosser, Tony, **The Limits of Competition Law, Markets and Public Services, Studies in European Law**, Oxford University Press, New York, First Published, 2005.

8. Regulation 659/99/EC [European Community] Laying Down Detailed Rules for the Application of Article 93 [Article 88] of the EC Treaty, OJ [Official Journal] 1999, L 83/1.
9. 10-Regulation 69/2001/EC on the Application of Articles 87 and 88 of the EC Treaty to *de minimis* Aid, OJ 2001, L 10/30.
10. Regulation 994/98/ EC on the Application of Articles 92 [87] and 93 [88] of the EC Treaty Establishing the European Community to Certain Categories of State Aid (Horizontal Aid Regulation), OJ 1998, L 142/1.
11. Rodger, Barry J. & Mac Culloch, Angus, **Competition Law and Policy in the EC and UK**, Cavendish Publishing Limited, London, Sydney, Portland, Oregon, Third edition, 2004.
12. Rose, Vivien & Child, Graham, **Common Market Law of Competition**, Sweet & Maxwell, London, Fourth edition, Second Impression, 1995.
13. Slot, Piet Jan & Johnston, Angus, **An Introduction to Competition Law**, Hart Publishing, Oxford and Portland Oregon, First English edition, 2006.
14. Vives, Xavier, **Competition Policy in the EU, Fifty Years on from the Treaty of Rome**, Oxford University Press, First published, 2009.